

## نگرش ابوعلی سینا بر نظریه تعریف

دکتر بهجت واحدی\*

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم، گروه الهیات

## چکیده:

بوعلی از دو دیدگاه منطقی و فلسفی به تحدید و تعریف نظر افکنده و در هر دو جنبه تنها به شرح و بسط آراء گذشتگان اکتفا ننموده، بلکه نظرات تحقیقی و تخصیصی خود را بیان داشته، گرچه برخی از آنها با احکام کافه مشائیین متناقض بوده است. او در مبحث تعریف هم اصناف تعریف را توسع داده و هم به بیان اقسام معرفّ ها و غیر معرفّ ها پرداخته، و هم یکایک راههای وصول به حد را احصا و نقد فرموده و راه ویژه خود را ارائه میدهد.

همچنین معیارها و قواعدی برای تعریف پذیری و تعریف ناپذیری امور بدست میدهد و بالاخره با بیان اصناف خطا، راهکارهایی ابداعی برای سنجش و امتحان در این زمینه و چگونگی دوری جستن از خطا را بیان میدارد.

این مقاله هم به شیوه محققانه بوعلی در این زمینه و هم تعلیم این شیوه و تأسی از آن عنایت دارد.

کلید واژه ها: معرفّ (حد)، معرفّ (محدود)، تعریف پذیری، تعریف ناپذیری، اکتساب حد، امتحان حد

مقدمه :

مبحث تعریف همانند دیگر مباحث منطق ، با ترجمه آثار ارسطو به همراه شرحهای آن بدست مسلمین رسید و پیش از " بوعلی سینا " ، منطق دانان دیگری چون " کندی " ، " زکریای رازی " ، " ابن هیثم " ، " ابن مسکویه " و بخصوص " فارابی " در این زمینه پژوهشهایی نموده بودند .

بوعلی همانگونه که خود میفرماید ؛ از آغاز جوانی با مطالعه و تعلّم این کتب سرمایه زیادی در این علم کسب نمود . بویژه هنگامی که کتابخانه " امیر نوح سامانی " در اختیار او گذاشته شد ، دنیای دیگری از دانش بروی او باز گردید . او این سرمایه را با نبوغ ذاتی و پشتکار بی وقفه اش در پژوهش علوم گوناگون توسع بسیار داد ، حاصل آن نظرات ابداعی و تحقیقی است که از خود بجای گذاشت . او در مبحث تعریف نیز ، با اشراف بر سخنان دیگر متفکران و شرح و بسط محققانه اش ، مستدلا به انتقاد نظریات آنها پرداخته ، بدون آنکه تحت تاثیر شخصیت آنها واقع شود و بنا بر گفته خود ؛ ارزش هر مؤلف و مصنّفی را متناسب با ارزش علمی کارش میسنجید . او حتی نظریات پیشین خود را که در کتب و رسایل متقدمش منعکس نموده بود مورد بررسی دقیق قرار داده و چنانچه به نظریه جدید و برتر میرسید در رسایل و کتب متأخرش بیان می نمود . لذا نگرش او ، نگرشی ثابت و راکد نبوده ، بلکه پیوسته متغیر و متحول شده ، بخصوص با توجه به کثرت مؤلفاتش در منطق (بیست تالیف : برخی مجمل و برخی مفصل ) و دید فیلسوفانه او به تعریف ، و بکار بردن یک لفظ برای چند معنی و چند لفظ مختلف برای یک معنی ، بیان نظریه او در باب تعریف بصورت یک نگرش واحد امکانپذیر نیست . از این رو نگرش زیر به هدف نشان دادن تطور و تحول نگرش بوعلی در باب تعریف ارایه میگردد .

## تطورات و تحولات باب تعریف توسط ابوعلی سینا

### \* اول - تغییر جایگاه مبحث تعریف و جدا نمودن آن از برهان

بوعلی در برخی کتب خود چون " شفا " و " نجات " مطابق ارسطو و ارسطوئیان مشی نموده و مبحث حد و برهان را در یک بخش آورده است . اما در کتب دیگرش مانند " اشارات " ، " منطق المشرقیین " و " القصیده المزدوجه " این دو مبحث را از یکدیگر جدا نموده و برای این عمل خویش دلایل منطقی و خردپسند داشته است .

دو دلیل مستفاد از سخنان بوعلی :

اول - مبحث حد ( قولی دال بر ماهیت شیء ) متعلق به تصورات است درحالیکه برهان (قیاسی مرکب از

یقینیات تا نتیجه یقینی بالذات و باضطرار از آن لازم آید ) به تصدیقات تعلق دارد .

دوم - حد و برهان هیچ وجه اشتراکی ندارند . توضیح آنکه ، او در کتاب شفا حکم ارسطوئیان ( فقط اجزاء برخی حدود با اجزاء برخی براهین مشارکند ) را در مشارکت حد و برهان پذیرفته و با تبحری کم نظیر به شرح و تفصیل آن میپردازد . ( شفا ، برهان ، ص ۲۱۳ ) لکن در کتاب منطق المشرقیین بر خلاف آن میفرماید : بین حد با

برهان هیچگونه مشارکتی نمیشد، زیرا حدودی که ارسطوئیان بعنوان حدود مشارک با برهان ذکر میکنند، تعاریفی اند که "رسم" نیستند تا چه رسد که "حد" باشند. بلحاظ آنکه این تعاریف نه مشتمل بر ذاتیات شیء و نه مشتمل بر لوازم ماهیت شینند، بلکه در این تعاریف از لوازمی استفاده میشود که مقوم وجود شیء و خارج از ماهیت و مفهوم آن میباشد. ارسطوئیان در اکثر موارد اسباب خفیه ای را که تنها برای دانشمندان علمی خاص روشن گردیده است و ناشناخته تر از محدودند، بعنوان معرف و حد ذکر میکنند، سپس برای آن تعاریف در مقایسه با برهان شانی قائل میشوند که هیچ فایده ای ندارد. او با ذکر مثال معروف ارسطو و سایر مشائین به روشنگری حکم مذکور پرداخته و میفرماید:

در تعریف خسوف به "خُلُو جرم ماه از شعاع خورشید در وقتش به سبب متوسط واقع شدن زمین بین ماه و خورشید"، مفهوم خسوف تنها خلو جرم ماه از نور آنگاه که نباید خالی باشد، است ولی اینکه ماه نورش را از خورشید میگیرد و اینکه متوسط واقع شدن زمین سبب خلو نور ماه در وقت معین میشود، خارج از مفهوم خسوف بوده و از محدود کمتر شناخته شده است و این سبب پنهانی در وجود خسوف جز برای علما میسور نمیشد. همچنین حدود دیگری از این قبیل مانند حد خشم به، "شوق انفعالی برای انتقام بسبب جوشش خون قلب" و دیگر تعاریف بیان شده در این مورد نه حد حقیقی و نه رسمند و نه مشارک با برهان میباشد. (مشرقیین، ص ۳۹)

### \* دوم = تطور و توسع در اصناف تعریف و الفاظ بکار برده در این مبحث

بوعلی سینا در کتاب شفا لفظ "معرفت" را به ادراکات جزئی و "علم" را به ادراکات کلی اختصاص داده و تعریف و تعرف را در مقابل تعلیم و تعلم قرار داده. و تعلیم و تعلم را به دو گونه نموده (ذهنی و غیر ذهنی) و ذهنی را به (فکری، حدسی و فهمی) تقسیم کرده. و تحدید را قسمی از فکری قرار داده. و آن تصورات مکتسبی است که توسط فکر با پیوستن تصورات معلوم به یکدیگر حاصل میگردد و چون فکر ذومراتب است، تصور حاصل از آن هم ذومراتب بوده و در هر مرتبه ای نام خاصی دارد. و بهمین لحاظ حد دارای اصنافی است.

(شفا، برهان، ص ۱۲، ۱۱۳، ۲۰۰)

مراتب حد: رسم ناقص، رسم تام، حد ناقص، حد تام. همچنین حد به اشتراک لفظ بر دو معنی دلالت میکند، یکی حد مجازی (شرح الاسم) و دیگری حد حقیقی (حد بحسب ذات) که سه قسم دارد: حد تام (تمام برهان)، حد ناقص (نتیجه برهان)، حد ناقص (مبدأ برهان). (شفا، برهان، ص ۲۱۷)

لازم به ذکر است که معنی حد تام و ناقص در دو مورد مذکور با یکدیگر تفاوت دارند.

بوعلی سینا در کتاب اشارات موصل تصویری را مطابق با عادت منطقیین "قول شارح" نامیده است و آنرا به حد، رسم و مانند رسم تقسیم میکند. او سپس رسم را به تام و ناقص تقسیم نموده و برای هر یک از تام و ناقص دو معنی لحاظ میکند. و در بخش برهان کتاب اشارات در فصل مربوط به مطالب، بر اساس دوگانگی منظور پرسشگر از مطلب "ماهو الشیء" آن را به دو گونه نموده؛ گاه طالب ماهیت مفهوم مستعمل است که پیش از هل بسیطه واقع میشود و

گاه خواهان ماهیت ذات شیء است که بعد از هل بسیطه قرار میگیرد. پاسخ به اولی را " شرح الاسم " و دومی را حد برای ذات یا رسم ( جوازا یا مجازا ) برای ذات مینامد .

بوعلی سینا در کتاب منطق المشرقیین شیوه ای تازه و ابداعی بکار برده است ، او در این کتاب لفظ تعریف را مقسم قرار داده و معنی آنرا بسیار توسع داده ، بطوریکه بتواند دربردارنده هرگونه شناساگری باشد .  
تعریف " تعریف " : قصد انجام کاری ، آنگاه که شخص نسبت به تصور امری آگاهی داشته باشد .  
اصناف " تعریف " : تعریف بلحاظ دوگانگی این کار ( اشاره یا بیان الفاظ ) دو صنف میشود .  
اول - تعریف به اشاره - اشاره به شیء مورد نظر بدون هیچ سخنی و این فقط یک صنف است .  
دوم - تعریف توسط الفاظ - این تعریف اصنافی دارد :

الف - تعریف لفظی - تعریف توسط لفظی که مستقیما و بدون واسطه معنی دیگر دال بر معنی مقصود باشد .  
ب - تعریف به مثال ( تمثیل ) - تعریف شیء توسط ذکر مصادیقی از آن . اینگونه تعاریف گرچه در زمره تعاریف حقیقی محسوب نمیگردند ، بلحاظ آنکه مفید تصور معنی نمیباشند ، لکن در تسهیل تصور معانی و علم به وجود مطابق معانی در عالم خارج ، مفیدند .

ج - تعریف شیء توسط یک عارض - تعریف توسط لفظی دال بر معنی مفرد ، محمول و عارض شیء است که از باب دلالت وصف شیء بر شیء ، بمعنی مقصود دلالت میکند .

د - تعریف توسط چند عارض - تعریف توسط الفاظ دال بر چند عارض ( امر غیر مقوم غیر لازم ) .

ه - تعریف به خاصه ( لازم شیء ) - تعریف توسط لفظی دال بر معنی مفرد ، محمول و لازم اختصاصی شیء .

و- تعریف به فصل - تعریف توسط لفظی دال بر معنی مفرد ، محمول و مقوم مختص به شیء .

ز- خاصه مرکبه ( رسم نسبی ) - تعریفی توسط الفاظ مولف دال بر معانی لازم شیء ( غیر بین الوجود بالنفسه و غیر بین الزوم برای شیء ) که توسط آنها به شیء دلالت کند .

ح - تعریف به مقایسه - از طریق نسبت شناخته بین دو امر و تشابه آن نسبت با نسبت امر مجهول به امر دیگر ، مجهول بطریق مقایسه شناخته میشود .

ط - رسم مطلق خداج ( ناقص ) - تعریفی مرکب که صرفا از مقومات ترکیب نشده و فاقد بعضی شرایط باشد ، لکن ذهن توسط آن به شیء مقصود برسد .

ی - رسم مطلق محقق ( تام ) - تعریفی که صرفا مرکب از مقومات نباشد ولی واجد تمامی شرایط باشد . اینگونه تعاریف مراتبی بحسب دوری و نزدیکی لوازم شیء بکار رفته در آنها ، دارند .

ک - حد خداج ( ناقص ) - تعریفی صرفا مرکب از مقومات شیء و مساوی با آن و واجد برخی شرایط .

ل- حد محقق ( تام ) - تعریفی صرفا مرکب از مقومات شیء و واجد تمامی شرایط .

نکته - اولاً باید دانست که حد حقیقی فقط از شرایط و مقومات ماهیت ساخته میشود ، نه از شرایط و مقومات وجود ، و بهمین لحاظ است که باریتعالی در حد هیچ چیز نیاید ، با اینکه مفید وجود اشیاء است .

ثانیا هدف از تحدید فقط طلب مفهوم شیء است و لذا در هر تحدید فقط باید آنچه که مفهوم شیء به آن تعلق دارد ، ذکر گردد . همچنین باید بین تعلق به شیء در وجود و تعلق به شیء در مفهوم تفاوت گذاشته شود . لکن چون برخی

از مفاهیم اقتضای توجه به امور دیگری را دارند، چنانچه آن امور بین باشند در شرح مفهومی ذکر آنها مورد نیاز است. از این روست که در شرح مفهومی برخی امور ناگزیر به ذکر برخی مقومات وجود محدود و برخی لوازم آن میباشد. و تنها به این وجه است که موضوعات، افعال صادره و غایات در شرح مفهومی واقع میشود. و البته اینگونه شرح مفهومی "حد" آن امر نبوده بلکه "رسم" آن است.

م - حد بحسب اسم - قول مفصل دال بر مفهوم اسم برای کسی که بکار میبرد و رایج در زبان است.

**نکته** - اولاً اینگونه تعریف به اعتباری تحدید و به اعتباری رسم ناقص میباشد. تحدید است نسبت به کسی که بعد از تلفظ امری، با عبارتی نیکو و تالیفی شایسته معنی مورد نظرش را نسبت به آن امر بطور هو هو بیان کند. اما بعد از وقوف شخص به نقص و عیب تعریف خویش، همان تعریف، رسم ناقص میگردد. و ثانیاً حد و رسم بحسب اسم جاری مجری امر مورد تحدید و ترسیمند. لذا معانی الفاظ بکار برده شده در آنها باید در جهت درست باشد تا با آنچه که برای تفهیم آمده، مطابقت کند.

و لذا گاهی برای وصول به این تطابق و مفهوم شدن امری ناگزیر از تکراریم، گرچه تکرار خودبخود ناپسند است. ن - حد بحسب ذات - قول مفصلی که بلحاظ ماهیتش معرف ذات میباشد. و آن بر دو گونه است: یکی حد بحسب ذاتی که شیء مطلقاً دارد و دیگری حد بحسب ذاتی که شیء بلحاظ حالی دارد و این حد بلحاظ ذات رسم است و رسوم ذومراتب میباشد.

### \* سوم - اصناف، قواعد و معیارهای تعریف پذیری و تعریف ناپذیری به روایت بوعلی

یکی از قضایای مسلمة این است که برخی امور تعریف پذیر و برخی غیر تعریف پذیرند. اما با توجه به اقسام مفاهیم و انواع گوناگون تعریف و معیار تعریف پذیری امور، این قضیه شقوق مختلفی میابد که هریک حکم خاصی میطلبد. بوعلی سینا در کتب خویش بطور پراکنده اصناف معرف و اقسام غیر معرفها را بیان میدارد. اما در کتاب منطق المشرقیین فصلی را اختصاص به اصناف معرف داده و شقوق مختلف آنرا بیان داشته و تعریف پذیری و ناپذیری آنها را بلحاظهای مختلف بیان میدارد. و در الهیات شفا نیز با نگرشی فیلسوفانه به این امور میپردازد و در مقاله پنجم که عهده دار تحقیق وجود کلیات و احوال ماهیات است، در باب کلیات خمس و اتحاد و اتفاق آنها و همچنین رابطه بین ماده و جنس، صورت و فصل قواعدی بیان داشته و دو فصل آخر را به مناسبت حد و محدود و مناسبت حد و اجزایش اختصاص داده است. (شفا، الهیات، مقاله پنجم، ص ۴۲۸-۳۹۲)

در این مختصر فقط به ذکر نظرات خاص بوعلی سینا بسنده میشود.

اما اصناف معرف بلحاظ این است که مفهوم، یا امر وجودی یا عدمی است. همچنین مفاهیم، یا ماهوی یا غیر ماهویند. ماهیات موجود، یا جوهر یا عرضند، و هریک از ماهیات جوهری یا عرضی، یا بسیط یا مرکبند. و ترکیب، یا طبیعی (ترکیب از جنس و فصل) و یا غیر طبیعی میباشد، و غیر طبیعی، یا ترکیب تداخلی (ترکیب معنایی با معنی

دیگر بطوریکه از مجموع آن دو یک محمول حاصل گردد و سپس این مجموع با یکی از آن دو معنی دوباره ترکیب وضعی شود) یا غیر تداخلی است. همچنین بساطت و ترکیب، یا بلحاظ عین و یا بلحاظ ذهن است.

### اصناف معرف:

الف - ماهیات موجود و مرکب به ترکیب طبیعی - برای اینگونه ماهیات، البته به دو لحاظ یکی از لحاظ تفصیل و وحدت وجودشان و دیگری از لحاظ هدف تعریف کننده، هم حد و هم رسم است. در مورد حد این محدودات و مقایسه آن دو با یکدیگر دو نظر است:

نظراول - اکثر قریب به اتفاق مشائین، حد اینگونه محدودات را زائد بر محدودشان میدانند.

نظر دوم - نظر تحقیقی و برتر که توسط بوعلی بیان شده: حد این گونه محدودات زیاده بر محدودشان نبوده و ماده دو بار در آنها تکرار نمیشود.

بوعلی اثبات نظر خود و نفی نظر اول را مستدلا بیان نموده. (مشرقیین، ص ۴۰) (شفا، الهیات، ص ۴۲۳)

ب - محدودات مرکب به ترکیب تداخل - در مورد اینگونه محدودات یک نظر مشهور (این محدودات دارای حد میباشند و حد آنها زائد بر محدود است) میباشد و دیگر نظر خاص بوعلی در کتاب منطق المشرقیین: در این کتاب چون بوعلی حد مفهومی را بهترین حد معرفی کرده و آنرا به دو گونه (مطلق یا بحسب گوینده) نموده است، میفرماید چنانچه در حد مفهومی امری بلحاظ گوینده و برای تفهیم او تکرار امری لازم گردد، ناگزیر به تکراریم و این تکرار در مقایسه با سؤال و بحسب وجوب جواب مطابق با سؤال میباشد. گرچه این تکرار بالنفسه محال، یا زشت و یا بیهوده میباشد، ولی در مقایسه با سؤال و نسبت به آنچه که تفهیم میکند، نه محال، نه زشت و نه بیهوده است. (مشرقیین، ص ۶ و ۴۴)

ج - محدودات مرکب به ترکیب غیر طبیعی و غیر تداخلی - بوعلی برای اینگونه مرکبات چندین صنف بیان کرده است که عبارتند از: ترکیب شیء با یکی از علل اربعه اش - ترکیب شیء با یکی از معلولاتش - ترکیب شیء با شیء متشابه اش - ترکیب شیء با شیء مخالفش - ترکیب دو شیء بسیط که مقتضی ترکیب معنوی دیگری است - ترکیب جوهر و عرض - ترکیب جوهر و عرضی که مرکب از جوهر و عرض است.

بنظر بوعلی برای اینگونه امور حد مفهومی میباشد، زیرا که قول شارح برای خود مفهوم اسم، مرکب از مقوماتش یافت میشود و چنانچه مفهوم ذات شیء اقتضای توجه به امر دیگری را داشته باشد تحدیدش هم، چنین اقتضایی دارد و همه محدودات مرکب به این وجه از ترکیب اقتضای توجه به امر دیگری را دارند که بدون توجه به آن امر تحدیدشان کامل نمیگردد. اما حد این امور مرکب از اجناس و فصول نمیباشد زیرا این گونه مرکبات از اجناس و فصول ترکیب نشده و چنانچه در حد اینگونه امور جنس و فصل ذکر گردد با مفهوم لفظ مطابق نمیشود، حال آن که باید هر حد مفهومی مطابق مفهوم لفظ باشد. و چنانچه اینگونه عمل گردد از حد شیء به تعریف توسط لوازم انحراف حاصل میشود. بطور کل باید گفت که اینگونه مرکبات یا موضوعاتیند که بلحاظ اعراض و صوری که دارند، برای آنها اسمی وضع شده، و لذا در شرح آنها اشاره به آن اعراض و صور مورد نیاز است. و یا اعراضیند که به اعتبار وجودشان در موضوع، به اسمائی نامیده شده اند. و بلحاظ همین اعتبار شرح آنها متضمن اشاره به موضوع میباشد. این تقسیم

بوعلی و نظر او را بعداً شیخ اشراق در مطارحات و حکمه الاشراق بیان میدارد. ( مشرقیین ص ۴۱ ) ( مطارحات ، فصل چهار ، مشرع دوم ) ( حکمه الاشراق ؛ ص ۲۱ ) ( شرح حکمه الاشراق (شهرزوری و قطب الدین)؛ ص ۶۰ )  
 د - محدودات مرکب مفرد جزئی شخصی - اینگونه امور بلحاظ دارا بودن ماهیت و اعراض لازمه ، از جهت ذات نوعی و صنفیشان تعریف دارند ولی از حیث شخصی و جزئی حقیقی بودنشان تعریف ناپذیرند . ( شفا ، الهیات ، ص ۴۲۳ )

ه - اعراض مرکب -

و- جواهر مرکبی که یک جزء از اجزاء یک جوهر مرکب میباشند -

برای این دو گونه محدود ( ه ، و ) حد میباشند ، ولی اجزاء حدشان غیر از اجزاء محدودشان است . زیرا اجزاء حدشان مشتمل بر جنس و فصل نیست ، با اینکه مناسبت با محدود دارند و محدود از اجزاء حدشان است . بوعلی در الهیات شفا در این مورد به تفصیل سخن گفته است . ( شفا ، الهیات ، ص ۴۲۶ )

ز - محدودات بسیطه - این محدودات چند صنفند :

اول - مقولات عشر ( ماهیات بسیطه ) - ابن سینا مطابق نظر کافه مشائین معتقد است که تنها نیل به رسم ناقص (خاصه مرکبه) آنها امکانپذیر است .

دوم - جواهر چهارگانه ( عقل ، نفس ، صورت و ماده ) - این چهار نوع ماهیات بسیطه خارجیند و قائم به خود و غیر متعلق به چیزی . بوعلی برای اینگونه امور حد قائل است اما حد آنها بر خلاف مرکبات فقط صورت بسیطه است زیرا ذات بسیط همان صورت بسیط است . دلیل بر این مدعی ؛ برای امر بسیط محال است قابل باشد زیرا هر قابلی مقبولی دارد و در این صورت بسیط نبوده و مرکب از قابل و فاعل ( ماده و صورت ) میشود . پس ذات بسیط فقط صورت بسیط است و هیچ چیز دیگری نمیتواند باشد . و لذا ماهیت که در جواب ما هو میاید و چیزی جز حد نمیباشد ، همان صورت بسیطه است . ( شفا ، الهیات ، ص ۴۲۳ )

سوم - صور و قوای فعاله و منفعله - امور بسیطی که دارای ذات بوده و به این اعتبار یا جوهر ، یا کیفند . وجود این ذوات بگونه ای است که اضافه لازم آنهاست و اسم اکثر آنها از لحاظ اضافه بودنشان میباشد . تعریف این امور به اعتباری ( فقط تفسیر ذات منظور باشد ) "حد" و به اعتباری ( تعریف وجود خاص به توسط امر اضافه لازم آن ، مورد نظر باشد ) "رسم" میشود .

چهارم - اعراض بسیطه - انواع عوارضی که ماهیتشان بسیط است و به تعمل عقل کثیر گردیده و مرکب از اجزاء عقلی شده اند . بوعلی معتقد است که اعراض بسیط شرح مفهومی دارند و توسط لوازم و مقومات وجودشان در صورتیکه بین الوجود و بین الزوم باشند تعریف میشوند . ( مشرقیین ، ص ۴۵ )

### اصناف غیر معرفها یا تعریف ناپذیرها

مفاهیم متصور یا بین بالنفسه اند یا غیر بین بالنفسه . و بین بالنفسه یا معقول محض یا محسوس به حواس ظاهر یا مدّر ک به حواس باطنند . و غیر بین بالنفسه یا بحسب ذات غیر بین و بحسب برخی عوارض بینند . و یا بحسب برخی عوارض غیر بین و بحسب برخی عوارض غیر بینند . همچنین امور غیر بین یا مرکب یا بسیطند و نیز امور غیر بین یا

معلول یا غیر معلولند. و همچنین امور یا مطلقاً باین وجود یا باین الثبوتند، یا بحسب شخصی از اشخاص باین میباشند. و از تضریب این شقوق اصنافی از تعریف ناپذیرها حاصل میگردد. (تقسیم فوق مستفاد از کلام بوعلی در منطق المشرقیین، ص ۳۷ میباشد) تعریف ناپذیرها عبارتند از:

- ا- ذات اقدس باری تعالی؛ که به هیچ وجه تعریف پذیر نیست. (اشارات، الهیات نمط چهارم، فصل ۲۷)
- ب- عقول متشخصه؛ اینگونه از موجودات هیچگونه تعریفی جز تعریف به مقایسه ندارند (شفا، الهیات، ص ۴۲۳)
- ج- افراد متشخصه انواع کائن؛ این موجودات از حیث شخص به ما هو شخص تعریف و تحدید مفهومی نداشته و تنها تعریف بالاشاره دارند (مشرقیین، ص ۲۹)
- د- مفهوم وجود؛ هیچ تعریفی جز شرح لفظ ندارد.
- ه- ماهیت؛ فقط تعریف لفظی (تفسیر) دارد.
- و- مقولات عشر؛ هیچ تعریفی برای آنها جز تعریف توسط لوازمشان ممکن نیست.
- ز- انواع بسیطه، اعم از جواهر و اعراض؛ از حیث بساطت عینیشان تعریف ناپذیر و از حیث ترکیب عقلی تعریف پذیرند. (شفا، الهیات، ۴۰۶-۴۰۵)
- ح- اعدام؛ مفاهیمی که حقیقتاً دارای ذات نبوده و درعین موجود نمیباشند. خواه عدم مطلق یا عدم مقید (ملکه). این مفاهیم بخودینخود از یکدیگر متمایز نبوده و قابل تعریف نیستند، فقط با مقایسه و نسبتی که با ملکاتشان دارند متصور میگرددند. (مشرقیین، ص ۴۰)

### \* چهارم - اصناف خطا و چگونگی سنجش و امتحان آنها از دیدگاه بوعلی

با توجه به هدف و رسالت منطق، ملاحظه و بیان دقیق انحرافات و لغزش های فکر و راههای احتراز از آنها در باب تصورات مکتسبه، از جمله وظایفی است که منطقیون بر خود فرض داشته اند. بوعلی نیز محققانه به این امر اهتمام ورزیده است. او در بعضی کتب خود چون شفا، همانند منطقیون متقدم بر او، بطور پراکنده در مبحث حد و مواضع جدل متذکر خطاها شده، اما در برخی کتب خود این مبحث را تحت عنوان مستقلی بیان میدارد. در کتاب اشارات (اشارات، ص ۱۵-۱۳)؛ با عنوان "اشاره الی اصناف من الخطاء"، در کتاب دانشنامه علایی (دانشنامه، منطق، ص ۲۹-۲۷)؛ با عنوان "خطای حد و رسم"، در کتاب نجات (نجات، منطق، ص ۷۵۱-۱۷۱)؛ با عنوان "فصل فی بیان وجوه الغلط فی الاقوال الشارحه" و در کتاب منطق المشرقیین (مشرقیین، ص ۵۸-۴۶)؛ مفصلاً در ده فصل و دوازده صفحه با عنوان "امتحان" به خطا سنجی دقیق موارد ولحاظهای مختلف پرداخته و شیوه پرهیز از آنها را تعلیم میدهد.

با توجه به مولفات او میتوان موارد زیر را مبدعات او در این زمینه تلقی نمود.



- الف - قرار دادن گفتارهای پراکنده در یک مجموعه و تحت یک عنوان
- ب - تنظیم و تصنیف خطاها
- ج - دادن معیار برای تصنیف خطا - بوعلی خطاها را بر اساس معیاری یکسان تقسیم نموده ، در اشارات خطاها را به لفظی و معنوی تقسیم نموده و سپس برای هر یک اقسامی ذکر میکنند . در کتاب نجات خطاها را سه بخش نموده :
- بخش اول - در جانب جنس
- بخش دوم - در جانب فصل
- بخش سوم - مشترک بین جنس و فصل
- و سپس برای هر یک اقسامی ذکر میکند .
- در کتاب منطق المشرقیین چون عنوان را از اصناف خطا به امتحان تغییر داده است ، معیارهایی با توجه به هر یک از مراحل ده گانه بدست میدهد .
- د- توسع در اصناف خطا یا موارد انحراف - بوعلی در کتاب منطق المشرقیین انواع خطا را با بیشترین توسع بیان داشته است .
- هد- تعلیم از طریق مقایسه نمودن ، درک نشانه ها ، برای آگاهانیدن ذهن بر اشتباهاتش .
- و- تشخیص خطا بطور مجزا و مرحله به مرحله از اوسط مفاهیم ( محمولیت ) تا حد بودن .
- ز- بیان عوامل اشتباه و التباس امور ده گانه ( محمول ، عام ، ذاتی مقوم ، عرضی ، جنس ، فصل ، خاصه مطلقه ، خاصه مفرده ، شرح الاسم و حد ) با مقابلشان و راهکارهای گریز از این گونه انحرافات
- ح - تقسیم خطایا به مطلق و نسبی ، و نسبی بحسب هدف و خصوصیات تعریفگر ، امر مورد تعریف ، اصناف تعریف .

### \* پنجم - نظر خاص بوعلی در مبحث اکتساب حد

اکتساب در این موضع بمعنای تبدیل معارف بالقوه به بالفعل همراه با طلب و فکر است . ( شفا ، برهان ، مقاله اول ، فصل ششم )

بوعلی در برخی کتب خود ( اشارات ، دانشنامه علایی ) متذکر این مبحث نشده است و در برخی ( نجات و منطق المشرقیین ) هم به اجمال سخن گفته است . اما در کتاب برهان شفا این مبحث را با تفصیل کامل بیان داشته است و در این باب از پنج طریق اکتساب حد ( برهان ، استقراء ، تقسیم ، ترکیب ، آمیزشی ) ، سه قسم اول را تعریف کرده و دلایل له و علیه آنها را با مهارت کامل بیان داشته و همچون سایر مشائین حکم کرده که از طریق هیچ یک از آنها به تنهایی ، حد اکتساب نمیشود . روش آمیزشی که ارائه شده از طرف فارابی است ، را متذکر نشده است . و روش ترکیب که شیوه پیشنهادی ارسطو بوده ، پسندیده و معتقد است که وصول به تحدید از این طریق امکانپذیر است . لکن

چون هیچ ترکیبی بدون تحلیل میسر نمیباشد ، در آغاز ترکیب باید به سراغ اجزاء ماهیت رفته و به تحلیل ماهیت پرداخته تا منتهی به اجزاء بسیط و غیر قابل تحلیل بشود .

او معتقد است که دو شیوه استقراء و تقسیم ( هم کلی به جزئیات ، و هم کل به اجزاء ) در مراحل مختلف تحلیل و ترکیب مفیدند . (برهان ، شفا ، مقاله چهارم ، فصول ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ )

در مورد فایده برهان - در آغاز دو نحوه فایده آن را بیان داشته :

الف - گاهی برخی براهین در تنبه برخی حدود مفیدند و بالعکس .

ب - با اثبات وجود محدود توسط برهان شرح الاسم تبدیل به حد حقیقی میشود .

و دلایلی بر اثبات این مدعی ذکر میکنند و سپس نظر خاص خود را با این عبارت " اگر میخواهی صادقانه با تو سخن بگویم " شروع میکنند و نقیض نظریه کافه مشائین را بیان میدارد .

نظر خاص بوعلی : برهان در اکتساب حد نه تنها هیچ فایده ای ندارد بلکه مصادره به مطلوب اول میباشد و این گونه قیاسها تنها برای ابلهان و اشخاص کودن بکار میرود .

دلیل بوعلی بر این مدعا : مصادره به مطلوب اول بودن آن ، بدین لحاظ است که ؛ در نزد من ، " طلب شیء و طلب حد شیء یکسان است " . و لذا اگر کسی بخواهد از طریق فلان محمولی که برای حد شیء موجود است ، اثبات کند که آن محمول برای خود شیء نیز موجود است ، مصادره به مطلوب اول نموده است . و همچنین در نزد من ، " وضع شیء و وضع حد آن شیء یکسان است " . و " حمل شیء بر شیء با حمل حد شیء بر شیء یکسان میباشد " . حال با توجه به این حکم چنانچه قیاس برای اشخاصی آورده شود تا توسط آن متنبه گردند که اکبر " حد " برای اصغر میباشد ، با توجه به حالات و چگونگی این اشخاص معلوم میگردد که ؛ از اینگونه قیاسها هیچگونه تنبهی حاصل نمیگردد . ( شفا ، برهان ، ص ۲۲۲ - ۲۲۱ ) ( مشرقیین ، ص ۳۹ )

## منابع :

- ۱- البرهان من کتاب الشفاء ، ابوعلی سینا ، حقه و قدم له : عبد الرحمن بدوی ، مکتبه النهضه المصریه ، القاهره ، ۱۹۵۴ م .
- ۲- التنبیهات و الاشارات ، ابوعلی سینا ، با اهتمام محمود شهابی ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۲۹ .
- ۳- دانشنامه علایی ، رساله منطق ، ابوعلی سینا ، مقدمه ، حواشی و تصحیح : دکتر محمد معین و سید محمد مشکوه ، انتشارات دهخدا ، ۱۳۵۳ .
- ۴- شرح حکمه الاشراق ، شمس الدین محمد شهرزوری ، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی .
- ۵- شرح حکمه الاشراق سهروردی ، قطب الدین شیرازی ، باهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق ، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل ، تهران ، ۱۳۸۰ .
- ۶- مجموعه مصنفات شیخ اشراق ، شیخ شهاب الدین سهروردی ، تصحیح هانری کربن ، جلد دوم ، انجمن فلسفه ایران ، تهران ، ۱۹۷۷ م .
- ۷- المشارع و المطارحات ، شهاب الدین سهروردی ، نسخه خطی ، مجلس شورای اسلامی .
- ۸- منطق المشرقیین ، ابوعلی سینا ، عنایت بتصحیحه و نشره : المکتبه السلفیه ، مطبعه الموید قاهره ، مصر ، ۱۹۱۰ م .
- ۹- النجاه من الغرق فی بحر الضلالات ، ابوعلی سینا ، ویرایش و دیباچه : محمد تقی دانش پژوه ، انتشارات ، دانشگاه تهران ، ۱۳۶۴ .